

فرهنگ روضی

شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۷
۳رمضان ۱۴۳۹
۸ صفحه / شماره ۳۸۵۲

حکمت روز
امام صادق (ع)

اگر نزد خداوند عبادتی بهتر از شکر گزاری در همه حال بود که بندگان مخلص اش با آن عبادتش کنند ، هر آنچه آن کلمه را در باره همه خلق اش به کار می برد ، اما چون عباداتی بهتر از آن نبود از میان عبادات آن را خاص قرار داد و صاحبان آن را ویژه گردانید و فرمود : «و اندکی از بندگان من سیاسی گزارند» .

مصباح الشریعه ص ۲۴ (شبییه این حدیث در تفسیر نور الثقلین ج ۴، ص ۳۲۴، ج ۳۳)

مناجات
خواجہ عبدا... انصاری

الهی!

نه جز از شناخت توشادی است، نه از یافت تو زندگانی

زندگانی بی تو بردگی است و زنده به تو، هم زنده و هم زندگانی است

غم کی خورد آن که شادمانی اش تویی یا کی مرد او که زندگانی اش تویی

در نسیم آن جهان کجا دل بندد آن کس که به نقد این جهانی اش تویی

با شاعران
فاضل نظری



خراسان به روایت فرسان
۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۲

باران در مشهد چهار نفر را گشت

۵۵سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت:

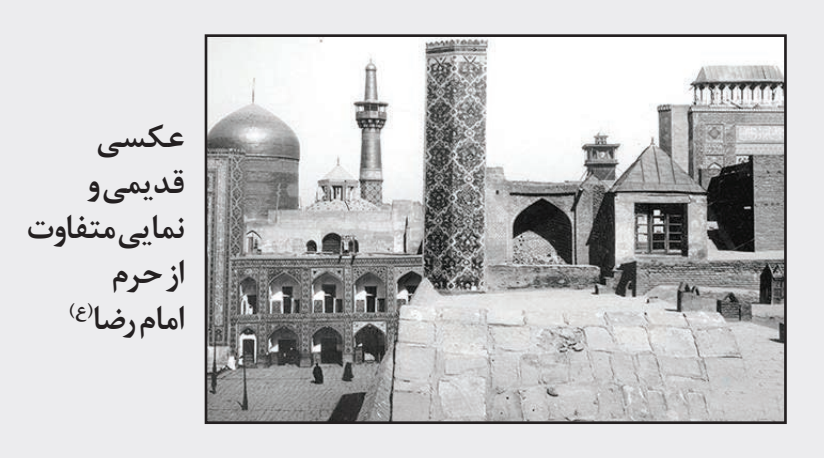
سال گذشته در مشهد و سایر شهرستان های خراسان زمستان نبود، به این معنی که یخ و یخبندان و برف و کولاک زیادی دیده نشدو عدم برف و بارندگی در زمستان ناامیدی و دلپهره در دل مردم به خصوص کشاورزان و دامداران ایجاد کرده بود، به طوری که اگر شخصی اواخر زمستان و ماه های آخر سال که معمولاً کنار رودخانه ها و جویبارها کمی سبزه به چشم می خورد، ولی زمستان گذشته اصلاً آب و سبزی خبری نبود و کشاورزان که در آن فصل معمولاً مقداری گندم و جو دانه های دیم می کاشتند، به کلی ناامید شده و به این جهت نرخ جو و گندم بالا رفت.

ولی بهار امسال به قول معروف و افا سنگ تمام گذاشت و از روزهای اول فروردین تاکنون به طور متناوب باران باریده است. ولی این بارندگی در روزهای اخیر در سرتاسر کشور آن قدر زیاد شده که مردم به هراس و

و حشت افتاده اند. از جمله بارندگی و جریان سیل چند روز قبل مشهد که کم و بیش خساراتی به مردم زدو خانه هایی را خراب کرد ولی خوشبختانه چون بارندگی شدید قبلی در روز اتفاق افتاد، مردم توانستند از خسارات بیشتر جلوگیری کنندو از طرفی هم خسارات جانی نیز نداشت. بارندگی های بهاری اخیر که تاکنون قطع نشده، در عرض چندروز اخیر فقط یکی دورو ز آفتاب شده و در باقی اوقات آسمان ابری و بارانی است. اما عصر جمعه از ساعت ۸ بعداز ظهر مجدداً آسمان شروع به بارش کردو این باران تاکنون ادامه داشته است. خبرنگار ما می نویسد، بر اثر خرابی های باران چندروز قبل مردم که ترس زیادی در دل داشتند و چون نیمه شب شبیه این باران به شدت خودافزوده بود، از خانه های خود بیرون آمده و از ترس این که زیر آوار بمانند، در سایه چتر و درخت در خیابان و کوچه به سر بردند.

بررسی هان نشان می دهد این باران شبانه و سخت به مرگ چهار شهروند منجر شد.

نمای تاریخی



کالا	قیمت(تومان)	واحد	کالا	قیمت(تومان)	واحد
گوجه فرنگی	۱۶۵۰	کیلو گرم	برنج پاکستانی درجه یک	۸۷۵۰	کیلو گرم
سیب زمینی	۱۵۰۰	کیلو گرم	روغن مایع	۵۷۵۰	بطری ۸۱۰ گرمی
پیاز زرد	۱۵۰۰	کیلو گرم	مرغ گرم	۷۷۰۰	کیلو گرم
عدس کانادایی	۵۵۰۰	کیلو گرم	گوشت گوسفندی (لاشه)	۴۹۰۰۰	کیلو گرم
لوبیا قرمز	۸۲۰۰	کیلو گرم	گوشت گوسفندی (ران بی چربی)	۵۹۰۰۰	کیلو گرم
روغن نباتی جامد	۲۷۸۰۰	حلب ۵ کیلویی			

بازار روز

منبع: سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی

کالا	قیمت(تومان)	واحد	کالا	قیمت(تومان)	واحد
گوجه فرنگی	۱۶۵۰	کیلو گرم	برنج پاکستانی درجه یک	۸۷۵۰	کیلو گرم
سیب زمینی	۱۵۰۰	کیلو گرم	روغن مایع	۵۷۵۰	بطری ۸۱۰ گرمی
پیاز زرد	۱۵۰۰	کیلو گرم	مرغ گرم	۷۷۰۰	کیلو گرم
عدس کانادایی	۵۵۰۰	کیلو گرم	گوشت گوسفندی (لاشه)	۴۹۰۰۰	کیلو گرم
لوبیا قرمز	۸۲۰۰	کیلو گرم	گوشت گوسفندی (ران بی چربی)	۵۹۰۰۰	کیلو گرم
روغن نباتی جامد	۲۷۸۰۰	حلب ۵ کیلویی			

روزنامه خراسان رضوی:

رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان

مدیرمسئول: محمدسعید احدیان

سر دبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهیدصادقی

صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵

تلفن: ۵۱۱-۳۷۶۳۴۰۰

نمابر دبیر خانه: ۵۱۳۷۶۳۴۳۹۵۰

پذیرش آگهی و اشتراک: ۵۱۳۷۰۱۰

پيامك: ۳۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهرچاخراسان

روابطعمومی: ۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱

نمابر تحریریه: ۵۱۳۷۶۳۴۵۰۱

یادداشت
رضا شجیع
<div>دبیر شورای راهبردی وزارت ورزش و جوانان</div>

ظرفیت‌ها و چالش‌ها در مسیر شکل‌گیری و توسعه صنعت گردشگری ورزشی

تلفیق دو صنعت مهم گردشگری و ورزش در جهان یکی از جذاب‌ترین شاخه‌های گردشگری را شکل داده است که در آمد و سرمایه های قابل توجهی را نصیب فعالان هر دو بخش می کند.

کشورهایی که سرمایه گذاری خود را روی توسعه گردشگری ورزشی متمرکز کرده اند، توسعه اشتغال، درآمدزایی و ایجاد رونق اقتصادی در پهنه جغرافیایی خاصی را دنبال می کنند.

هم اکنون این صنعت نسبتاً جدید یکی از سریع ترین بخش های رشد در صنعت گردشگری به شمار می آید که به عنوان یک عامل در بازسازی اقتصادی و اجتماعی جوامع شهری و روستایی مطرح می شود. بنابراین پیامدها و نتایج مختلف این صنعت، به ویژه اثرات ارزشمند اقتصادی آن موضوع مورد علاقه کارشناسان و پژوهشگران بسیاری در جهان بوده و نتایج حاصل از بررسی های آن ها، نقش مؤثری در ایجاد انگیزه در دولتمردان و سیاست گذاران برای توسعه گردشگری ورزشی داشته است.

هم اکنون بسیاری از کشورها، صنعت گردشگری را به عنوان یک حوزه درآمدزا به شمار می آورند و از آن کسب درآمد می کنند. به طور مثال ژاپن، آذربایجان، ترکمنستان و ترکیه از جمله کشورهایی هستند که در این صنعت سرمایه گذاری زیادی انجام داده اند. در کشورمانیز در کنار هزاران نوع جاذبه گردشگری و تاریخی که وجود دارد، از لحاظ ظرفیت های لازم برای راه اندازی فعالیت های مختلف ورزشی در سطح بسیار مطلوبی قرار داریم. حال اگر منابع مالی لازم را به این صنعت تزریق کنیم، می توانیم از این ظرفیت برای کمک به اقتصاد ملی، اقتصاد جوامع محلی، اشتغال یابدار روستایی و ظرفیت سازی برای معرفی بهتر اماکن تاریخی و... استفاده کنیم. با توجه به برکات فراوان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و محیط زیستی گردشگری ورزشی و یاد ر اهمیت دست یابی به جامعه ای سالم و با نشاط؛ مدیران، برنامه ریزان و مسئولان باید در برنامه ریزی های توسعه ای خود برای صنعت گردشگری کشور، به این شاخه مهم نیز توجه و بستری را برای آن تعریف کنند.

این شاعر انقلابی از حسرت‌ها و آرزوهای زندگی اش بر ایمان چنین می گوید: کاش می توانستم به دور از سیاست بازی های گذرا زندگی کنم و ای کاش بالاترین مصلحت ما حقیقت بود. این ها بزرگ ترین حسرت های من در باره دنیای پیرامونم است. حرف رامی کشانیم به سفرش به مشهد که بخشی از آن به زیارت و خلوتی عاشقانه بر حرم رضوی گذشته است. او می گوید: اکثر کتاب های من بعد از سال ۷۰ چاپ شده است

وقبل از آن برای چاپ آثارم از اسم مستعار بهره می گرفتم. اواخر دهه ۶۰ یک بار به مشهد سفر کردم و به حرم آقا مشرف شدم. حوالی سحر چشمانم سنگین شد و به خواب رفتم. در عالم روپا دیدم افراد مختلفی نزد من می آیند و از من چند خطی نوشته و گاهی بیت شعری می گیرند. از خواب که بیدار شدم، با خودم گفتم کمتر کسی خبر دارد که من شعر می گویم، پس ماجرای این خیل جمعیت مشتاق شعر چه بود؟ آن رویا را برای خودم این گونه تعبیر کردم که باید راهم را درست و شفاف تعریف کنم. بعد از آن بود که اسم مستعار را کنار گذاشتم و با نام خودم آثارم را به چاپ رساندم.

● بالاترین مصلحت، حقیقت است

این شاعر انقلابی از حسرت‌ها و آرزوهای زندگی اش بر ایمان چنین می گوید: کاش می توانستم به دور از سیاست بازی های گذرا زندگی کنم و ای کاش بالاترین مصلحت ما حقیقت بود. این ها بزرگ ترین حسرت های من در باره دنیای پیرامونم است. حرف رامی کشانیم به سفرش به مشهد که بخشی از آن به زیارت و خلوتی عاشقانه بر حرم رضوی گذشته است. او می گوید: اکثر کتاب های من بعد از سال ۷۰ چاپ شده است

وقبل از آن برای چاپ آثارم از اسم مستعار بهره می گرفتم. اواخر دهه ۶۰ یک بار به مشهد سفر کردم و به حرم آقا مشرف شدم. حوالی سحر چشمانم سنگین شد و به خواب رفتم. در عالم روپا دیدم افراد مختلفی نزد من می آیند و از من چند خطی نوشته و گاهی بیت شعری می گیرند. از خواب که بیدار شدم، با خودم گفتم کمتر کسی خبر دارد که من شعر می گویم، پس ماجرای این خیل جمعیت مشتاق شعر چه بود؟ آن رویا را برای خودم این گونه تعبیر کردم که باید راهم را درست و شفاف تعریف کنم. بعد از آن بود که اسم مستعار را کنار گذاشتم و با نام خودم آثارم را به چاپ رساندم.



Mashhad

مشهد

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی



طبیعت بهاری کوه های قوچان



قاضی زاده هاشمی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، پس از درگذشت سید مهدی طباطبائی استاد اخلاق، در صفحه شخصی خود پیام تسلیتی را منتشر کرد. وی در بخشی از این پیام نوشت: «جای آن پیر فرزانه در میان هموطنان خالی خواهد بود، اما او مرد نگوئانی است که نمیرد هرگز. معلمی شریف که با کلام دلنشین و لحن شیرین اش به ما آموخت، هیچ گاه حقیقت را در مسلخ مصلحت قربانی نکنیم و سخن حق را در هر جایگاهی بر زبان نرانیم! اگر همین پر تو از آن وجود نورانی را در زندگی به کار بندیم، ما و او را پس».

● کربلا زمین نیست، زمینه حرکت است

از او درباره دلیل گرایش اش به اشعار انقلابی و مذهبی و شعر معروف «کربلا منتظر ماست»

می پرسیم که پاسخ می دهد: دلیل اش به روایات و منش من بر می گردد. از کودکی با امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) و کربلا و عاشورا بزرگ شده ام و این مفاهیم در من ریشه دوانده اند. بعضی ها به من می گویند تو خیلی آرمانی فکر می کنی اما او چ ظلم استیزی و ستم سازی را در کربلا می بینیم و باور من این است که انسان نمونه، با تمام توان و حیثیت و دارایی خود روبه روی ظلم می ایستد و ما کامل ترین تصویر از این مفهوم را در عاشورا می بینیم. او به ویژگی های خاص تر شعرش اشاره می کندو می افزاید: من در این شعر از عاشورا و کربلا به عنوان یک نماد استفاده کردم که منعکس کننده حقیقتی ماندگار هستند. من این شعر را یک شعر بود و نوشته های محاکمات مصدق را در روزنامه ها جراید مطالعه می کردم این گونه با مسائل سیاسی زمان آشنا می شدم. بگذارد بخاطره ای را از کودکی ام که هر موقع یادش می افتم و خنده ام می گیرد، برایتان تعریف کنم: معمولاً روی در مغازه ها کلمه «ورود» نوشته شده است و من می گیرد، برایتان تعریف کنم: معمولاً روی در مغازه ها کلمه «ورود» نوشته شده است و من می گیرم. بگذارد بخاطره ای از معنایی شده بود که چرا همه جانوشته شده است «ورود» بعد ها متوجه شدم این کلمه ورود و به معنای وارد شدن است. این شاعر می افزاید: ما درم حالا ۹۵ سالگی را پشت سر گذاشته است. زمانی که پدرم فوت کرد او در اووان جوانی بود. برایم هم پدر و هم مادر بود. من با این چنین مادری و پدر بزرگو مادر بزرگ پدری ام در حاشیه شهر زندگی می کردم و از همان ابتدا سختی زندگی را چشیدم اما اعتقاد دارم جهان یک شبکه است، بستگی به این دارد که از چه اویه ای به آن نگاه می کنیم و اگر به

● بگذاریم عشق نقطه عطف تمام گرایش های ما باشد

او درباره ویژگی های یک شعر دلنشین که در ذهن مخاطب ماندگار شود، می گوید: شعر سرمایه ملی محسوب می شود پس چرا با این

« ما را به دنیا نیاورد ده اندک که نازمان را بکشند، ما به این دنیا آمده ایم که بفهمیم چند مرده حلاجیم. من دنیا را فرصت مدیریت بحران تعریف می کنم. روزگاری که جز افت و خیز چیز دیگری نیست و هر کسی که مشکلات بیشتری را پشت سر می گذارد، اگر آگاه باشد فرصت بیشتری را برای رشد پیدا می کند و گر نه به قول حافظ، ناز پرورده تنعم نبرد اه به دوست/ عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد. « این ها را ابوالقاسم حسینجانی می گوید شاعر ابیات حماسی مشهور که ماندگارترین اش یعنی «کربلا منتظر ماست بیا تا برویم... بیش از همه با خاطرات مردمان این سرزمین گره خورده است. شعری که حماسه آفرید، در دل هانشت و هنوز که هنوز است بر لبان پیران درد کشیده این روزگار که فرزندان قد کشیده خود را تقدیم مام وطن کرده اند، زمزمه می شود و جوان ترهای امروز از شنیدنش مشعوف می شوند. این شاعر حماسی چندی پیش مهمان شهرمان بود و مجالی دست داد تا با او از دنیای شاعرانگی اش بگویم:

● ۱۰۶۰ سالگی

حسینجانی روایت اش از دیروز و امروز را این طور آغاز می کند: من در گذشته زندگی ام و مسائل مختلفی که برایم پیش آمده چه قبل انقلاب و چه بعد از آن، آن قدر مشکلات را پشت سر گذاشته ام (باخنده) که هر زمانی دوبار، می توانم از صفر شروع کنم. شهریور امسال ۶۹ سالم تمام می شود و وارد ۷۰ سالگی می شوم. به عبارتی وارد ۱۰۶۰ سالگی می شوم. دوران کودکی من سخت گذشت، تا حدود ۱۰ سالگی بی سواد بودم و اولین شغلی که در جامعه انجام دادم، یادویی یک سلمانی بود. ما اهل بندر انزلی هستیم. هفت ساله بودم که پدر ماهی گیرم در دریا غرق شد و من از همان موقع مشغول کار شدم. خانواده ام از یک طرف به دریا وصل بود و از طرف دیگر به زمین و کشاورزی و از نظر اقتصادی و فرهنگی طوری نبودند که نتوانند مرا به مدرسه بفرستند. در نهایت آکار خواندم. وقتی به گذشته ام نگاه می دهم: آن همان دوران فیلم است اما تماشا و واقعیت دارد. من با تمام آن شرایط اکثر مدرک ها را اگر قسم و گاهی که آن ها را توفی می کنم، حس خوبی در من زنده می شود. وی ادامه می دهد: از همان دوران کودکی مسائل اجتماعی و سیاسی برایم جالب بود و نوشته های محاکمات مصدق را در روزنامه ها جراید مطالعه می کردم این گونه با مسائل سیاسی زمان آشنا می شدم. بگذارد بخاطره ای را از کودکی ام که هر موقع یادش می افتم و خنده ام می گیرد، برایتان تعریف کنم: معمولاً روی در مغازه ها کلمه «ورود» نوشته شده است و من می گیرم. بگذارد بخاطره ای از معنایی شده بود که چرا همه جانوشته شده است «ورود» بعد ها متوجه شدم این کلمه ورود و به معنای وارد شدن است. این شاعر می افزاید: ما درم حالا ۹۵ سالگی را پشت سر گذاشته است. زمانی که پدرم فوت کرد او در اووان جوانی بود. برایم هم پدر و هم مادر بود. من با این چنین مادری و پدر بزرگو مادر بزرگ پدری ام در حاشیه شهر زندگی می کردم و از همان ابتدا سختی زندگی را چشیدم اما اعتقاد دارم جهان یک شبکه است، بستگی به این دارد که از چه اویه ای به آن نگاه می کنیم و اگر به

«قصه ای با من مانده که از فرشته ای می گوید که در زمان تولد به دهان کودک کد ضربه می زند. قاعدتا باید به دهان من ضربه بیش از حد محکمی زده باشد که لکتند گرفته بودم. این افسانه همیشه به این صورت برای من تعریف می شد. در شب های کودکی من اغلب فرشته ای به مقابل دهانم می آمد و در می زد اما من نمی توانستم در برابر ایشان باز کم و به او خوشامد بگویم، پس از لختی فرشته می رفت و در تاریکی پر های او می ماند و اشک های من...»

«بدی جبران ناپذیر است و هر کاری هم که بعدش بکنیم، راهی برای اصلاح اشتباه وجود ندارد.

مثلا با آدم هایی زندگی کردیم که دوست شان داشتیم بدون این که بدانیم با آن ها بد تا کردیم، بدون این که متوجه باشیم، یک روز از روزهای خدا آن ها می روند و ما دیگر در باره شان حرف نمی زنیم...»

حالا نه این جانه - نویسنده: اری دلوکا - مترجم: نهال محذوف